

Investigating and understanding the relationship between religiosity and the lifestyle of young people in Fardis

Majid Rezaeian¹  Hossein Gharbi Ni Ni²  Zahra Barq³ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of cultural and media management, Faculty of Culture and Communication, Soore International University, Tehran, Iran. E-mail: Rezaeian@soore.ac.ir.
2. Bachelor of Arts Cultural Management, Department of cultural and media management, Faculty of Culture and Communication, Soore International University, Tehran, Iran. E-mail: Hosseinghorbi2000@gmail.com.
3. Master of Cultural Studies, Department of cultural and media management, Faculty of Culture and Communication, Soore International University, Tehran, Iran. E-mail: Mahsabargh67@gmail.com.

Article Info	Extended Abstract
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 18 - 5 - 2024 Received in revised form: 13 - 6 - 2024 Accepted: 22 - 7 - 2024 Published online: 06 - 04 - 2025</p> <p>Keywords: <i>Religiosity, lifestyle, religious culture, youth, Fardis city.</i></p>	<p>Objective: The main goal of this research is to know the level of religiosity and its relationship with the lifestyle of young people. Iranian society can be considered as having a religious culture due to the dominance of the institution of religion over other social institutions. It is clear that in such a society, people are expected to be influenced by religion to a large extent in choosing their lifestyle and to use religious teachings in determining their lifestyle. Of course, one cannot ignore the role of other factors, especially the flow of modernity and many characteristics of modern lifestyle, including luxury, clothing, makeup, the importance of the body, fun, pleasure, etc. The increase in Iran's population over the last half century and the occurrence of large-scale internal migrations have led to the creation of new settlements around Tehran and other major cities of the country. Among these, we can mention Fardis city, which has become a place for immigrants to live in recent years and has accommodated a part of the overflow population of Tehran and other parts of the country. The results of the preliminary studies about this city indicate that due to the social structure and cultural diversity, the people, especially the young generation, have considerable diversity in their lifestyles, but what is important in this regard is not the diversity of lifestyles, but The prevalence of social harms in this city, especially among young people, is a proof of their inattention to society's norms in choosing their lifestyle. The theoretical foundation of the research is based on the theory of some sociologists including Weber, Simmel and Bourdieu. By reviewing the mentioned theories, we can see that the institution of religion is one of the most important social institutions that has a significant impact on people's behaviors, priorities and values.</p> <p>Method: The research method, according to the goals and questions, is a quantitative methodology. The statistical population consists of young people aged 18-35 years in Fardis city of Alborz province, 384 of whom were studied using the quota method as a sample population. Survey method and questionnaire tool were used to collect data and statistical methods were used to analyze it. The data analysis of this research was done using spss software version 26 in two parts: in the first part, frequency distribution tables, statistical charts and central and dispersion characteristics were used to classify and display the</p>



data. And in the second part, the non-parametric test of Spearman's correlation coefficient was used to test the research hypotheses (due to the non-normality of the data distribution).

Results: The findings of the research show that among the components of lifestyle, the correct observance of the consumption pattern is at the highest rank, followed by social and cultural harmony, interpersonal relationships, attention to body health and optimal spending of leisure time. Also, these findings show that among the components of religiosity, the belief dimension is at the highest rank, followed by emotional dimensions, awareness, rituals and consequences. The results of the sub-hypotheses test indicate that there is a weak correlation between the components of religiosity and the enjoyment of the lifestyle. This relationship is inverse in the case of attention to body health, so that the more the level of religiosity of people increases, the less attention is paid to it. They reduce the health of the body. Regarding the correlation between the use of religiosity and observing the consumption pattern, there is a correlation. This correlation is direct and its intensity is weak. There is a correlation between religiosity and good interpersonal relationships. This correlation is direct and its intensity is weak. There is a correlation between the level of religiosity and the way of spending leisure time. This correlation is direct and its intensity is weak. There is a correlation between people's religiosity and social and cultural conformity. This correlation is direct and its intensity is moderate. Correlation between lifestyle and religiosity (main hypothesis) According to Table 3, it can be seen that the Spearman statistic is 0.091 and the significance level is 0.74. Therefore, with a 5% error, we can say that there is no correlation between the two variables of religiosity and lifestyle.

Conclusion: In any case, the test of the main hypothesis of the research indicates that there is no significant correlation between the level of religiosity and lifestyle. therefore, one can conclude. Unlike the traditional society, today, religiosity is not considered as the only factor influencing the lifestyle, and its effect is not the same on all the components of the lifestyle.

Cite this article: Rezaeian, M., Gharbi Ni Ni., H., & Barq., Z. (2025). Investigating and understanding the relationship between religiosity and the lifestyle of young people in Fardis. *Biopolitics and Development*, 1 (1), 61-76.



بررسی و شناخت رابطه بین دینداری و سبک زندگی جوانان در شهرستان فردیس

مجید رضاییان^۱ | حسین قربی نی نی^۲ | زهرا برق^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران، رایانامه: Rezaeian@soore.ac.ir
۲. کارشناسی مطالعات فرهنگی، گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران، رایانامه: hosseinghorbi2000@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی هنری، گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران، رایانامه: Mahsabargh67@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده مبسوط
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷</p>	<p>هدف: هدف اصلی این پژوهش عبارت از شناخت میزان دینداری و رابطه آن با سبک زندگی جوانان است. جامعه ایران را، به سبب چیرگی نهاد دین بر سایر نهادهای اجتماعی، می‌توان دارای فرهنگ دینی دانست. روشن است در چنین جامعه‌ای انتظار می‌رود افراد در انتخاب سبک زندگی خود تا حد زیادی متأثر از دین بوده و در تعیین سبک زندگی خود، از آموزه‌های دینی استفاده کنند. البته در این میان نمی‌توان نقش سایر عوامل به ویژه جریان مدرنیته و بسیاری از شاخصه‌های سبک زندگی مدرن از جمله، تجملات، پوشش، آرایش، اهمیت بدن، تفریح، لذت و غیره را نادیده گرفت. افزایش جمعیت ایران طی نیم قرن اخیر و بروز مهاجرت‌های گسترده داخلی، موجب شده است تا سکونتگاه‌های جدیدی در اطراف تهران و دیگر کلان شهرهای کشور به وجود آید. از این جمله می‌توان به شهرستان فردیس اشاره کرد که طی سال‌های اخیر به محلی برای سکونت مهاجرین تبدیل شده و بخشی از سرریز جمعیت تهران و از سایر نقاط کشور را در خود جای داده است. نتایج مطالعات مقدماتی درباره این شهرستان حاکی از آن است که به سبب ساختار اجتماعی و تنوع فرهنگی، مردم و به‌ویژه نسل جوان، از تنوع قابل ملاحظه‌ای در سبک زندگی برخوردارند، اما آنچه در این میان حائز اهمیت است نه تنوع سبک زندگی، بلکه رواج آسیب‌های اجتماعی در این شهرستان و بالاخص در بین جوانان است که این نکته می‌تواند موبد بی‌توجهی آن‌ها به هنجارهای جامعه در انتخاب سبک زندگی باشد. بنیان نظری پژوهش بر نظریه برخی از جامعه‌شناسان از جمله وبر، زیمل و بوردیو استوار شده است. با مروری بر نظریه‌های یاد شده می‌توان دریافت، نهاد دین از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتارها، اولویت‌ها و ارزش‌های افراد دارد.</p>
<p>کلیدواژه‌ها: دینداری، سبک زندگی، فرهنگ دینی، جوانان، شهرستان فردیس.</p>	<p>روش: روش پژوهش، با توجه به اهداف و سوالات، روش شناسی کمی می‌باشد. جامعه آماری عبارت از جوانان ۱۸-۳۵ سال شهرستان فردیس استان البرز است که ۳۸۴ نفر از آنان با استفاده از روش سهمیه‌ای به عنوان جامعه نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و برای تجزیه و تحلیل آن از روش‌های آماری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ در دو بخش انجام شده است: در بخش اول برای طبقه‌بندی و نمایش داده‌ها از جدول‌های توزیع فراوانی، نمودارهای آماری و مشخصه‌های مرکزی و پراکنندگی استفاده شده است. و در بخش دوم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق (باتوجه به نرمال نبودن توزیع داده‌ها) از آزمون ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های تحقیق گویای آن است درمیان مولفه‌های سبک زندگی، رعایت صحیح الگوی مصرف در بالاترین رتبه و پس از آن به ترتیب، همنوایی اجتماعی و فرهنگی، روابط بین شخصی، توجه به سلامت بدن و گذران بهینه اوقات فراغت قرار دارد. همچنین این یافته‌ها گویای آن است که در میان مولفه‌های دینداری، بعد اعتقادی در بالاترین رتبه و پس از آن به ترتیب ابعاد عاطفی، آگاهی، مناسکی و پیامدی قرار دارد. نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی بیانگر آن است که بین مولفه‌های دینداری با برخورداری از سبک زندگی همبستگی با شدت</p>

ضعیف وجود دارد این رابطه در مورد توجه به سلامت بدن از نوع معکوس است به طوری که هر چه بر میزان دینداری افراد افزوده شود، به مقدار کمی از توجه آنان به سلامت بدن کاسته می‌شود. در خصوص همبستگی بین استفاده از دینداری و رعایت الگوی مصرف همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن ضعیف است. بین دینداری و روابط مناسب بین شخصی همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن ضعیف است. بین میزان دینداری و نحوه گذران اوقات فراغت همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن ضعیف است. بین دینداری افراد با هم‌نوایی اجتماعی و فرهنگی همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن متوسط است. همبستگی بین سبک زندگی و دینداری (فرضیه اصلی) با توجه به جدول ۳، می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش 0.91 و سطح معناداری 0.74 است. بنابراین با 5 درصد خطا می‌توان گفت بین دو متغیر دینداری و سبک زندگی همبستگی وجود ندارد.

نتیجه: به هر ترتیب آزمون فرضیه اصلی تحقیق حاکی از آن است که بین میزان دینداری و سبک زندگی همبستگی معنادار وجود ندارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت. برخلاف جامعه سنتی، امروزه دینداری به عنوان تنها عامل موثر بر سبک زندگی به شمار نمی‌آید و میزان اثرگذاری آن نیز بر همه مولفه‌های سبک زندگی یکسان نیست.

استناد: رضاییان، مجید، قربی نی نی، حسین، و برق، زهرا. (۱۴۰۴). بررسی و شناخت رابطه بین دینداری و سبک زندگی جوانان در شهرستان فردیس. زیست‌سیاست و توسعه، ۱(۱)، ۶۱-۷۶.



۱. مقدمه

مفهوم سبک زندگی به عنوان مولفه‌ی اساسی زندگی اجتماعی انسان معاصر، توجه بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان اجتماعی را به خود جلب کرده است (Niazi & karkonannasrabadi, 2013: 6). «سبک زندگی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری، عادت‌ها و سلیقه‌هایی است که در رفتار روزمره فرد نقش دارد» (Asgharzadeh Marghmolki, 2021: 12). به تعبیر گیدنز، شیوه زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم می‌سازد. سبک زندگی، اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است، و در عمل نه فقط از نسل گذشته «تحویل گرفته نمی‌شود» بلکه «پذیرفته» می‌شود. شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می‌آید، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند (Giddens, 1999: 120). سبک زندگی با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد، از جمله عواملی که موجب توجه به موضوع سبک زندگی در جامعه معاصر شده، آن است که برخلاف جوامع سنتی، در جامعه معاصر به واسطه اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب افراد بیشتر شده است «سبک‌های زندگی بازنمودی از جستجوی هویت و انتخاب فردی است». بر پایه همین واقعیت است که مفهوم سبک زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها و همچنین نشانگر ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است» (Karami Ghahi & Zadsar, 2013: 2).

وجود سبک‌های زندگی مختلف در هر جامعه، حاکی از آن است که این مقوله به عنوان یک امر متغیر به شمار می‌آید. متغیری که بروز تغییرات در آن متأثر از عوامل مختلف است. «بر اساس نظریه بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله وبر، زیمل، گیدنز، بوردیو و... امروزه تنها عامل اقتصادی، مثل آنچه که مارکس می‌گفت، نمی‌تواند تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد» (Storey, 2007: 14-18). بلکه عوامل مختلفی می‌تواند در این زمینه موثر باشد که از این جمله می‌توان به دین و دینداری اشاره کرد.

دین در جامعه‌های مختلف به‌ویژه آن دسته که دارای فرهنگ دینی هستند، تأثیر زیادی بر فرهنگ و مناسبات اجتماعی دارد. در این گونه جوامع؛ دین به نهادها شکل داده، بر ارزش‌ها تأثیر گذاشته و روابط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. «دین دانما بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد و عناصر محیط اجتماعی_ فرهنگی را شکل می‌دهد» (Zuckerman, 2005: 175).

نظر به نقش اساسی دین و دینداری در پویاها و فرایندهای فردی و اجتماعی و تأثیر آن در انسجام و همبستگی اجتماعی و تعیین شیوه زندگی افراد جامعه، صاحب‌نظران علوم اجتماعی، بر پدیده دین به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های زندگی انسانی تأکید نموده و کارکردهای متعددی برای آن قائل هستند. به نحوی که در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، می‌توان نفوذ دین را مشاهده کرد.

جامعه ایران را، به سبب چیرگی نهاد دین بر سایر نهادهای اجتماعی، می‌توان دارای فرهنگ دینی دانست. روشن است در چنین جامعه‌ای انتظار می‌رود افراد در انتخاب سبک زندگی خود تا حد زیادی متأثر از دین بوده و در تعیین سبک زندگی خود، از آموزه‌های دینی استفاده کنند. البته در این میان نمی‌توان نقش سایر عوامل به ویژه جریان مدرنیته و بسیاری از شاخصه‌های سبک زندگی مدرن از جمله، تجملات، پوشش، آرایش، اهمیت بدن، تفریح، لذت و غیره را نادیده گرفت.

افزایش جمعیت ایران طی نیم قرن اخیر و بروز مهاجرت‌های گسترده داخلی، موجب شده است تا سکونتگاه‌های جدیدی در اطراف تهران و دیگر کلان‌شهرهای کشور به وجود آید. از این جمله می‌توان به شهرستان فردیس اشاره کرد که طی سال‌های اخیر به محلی برای سکونت مهاجرین تبدیل شده و بخشی از سرریز جمعیت تهران و از سایر نقاط کشور را در خود جای داده است. نتایج مطالعات مقدماتی درباره این شهرستان حاکی از آن است که به سبب ساختار اجتماعی و تنوع فرهنگی، مردم و به‌ویژه نسل جوان، از تنوع قابل ملاحظه‌ای در سبک زندگی برخوردارند، اما آنچه در این میان حائز اهمیت است نه تنوع سبک زندگی، بلکه رواج آسیب‌های

اجتماعی در این شهرستان و بالاخص در بین جوانان است که این نکته می‌تواند موید بی‌توجهی آن‌ها به هنجارهای جامعه در انتخاب سبک زندگی باشد. گزارش جانشین فرماندهی انتظامی فردیس در این باره حاکی از آن است که «این شهرستان بیشترین درصد درگیری و نزاع و به دنبال آن قتل و افزایش آمار زندانیان را دارد و بعد از آن اعتیاد و سرقت‌های خرد و طلاق در این شهرستان آشکار است» (Nanbadeh, 2022).

با توجه به آنچه پیش از این درباره سبک زندگی و رابطه آن با دین و دینداری آورده شد، انتظار می‌رود سبک زندگی افراد به مقدار زیادی متأثر از میزان دینداری آنان باشد. نظر به اهمیت موضوع، در جریان این پژوهش درصدد آن هستیم تا ضمن شناخت میزان دینداری شهروندان جوان این شهرستان، به رابطه آن با سبک زندگی آن‌ها بپردازیم. از این‌رو، می‌توان پرسش اصلی تحقیق را عبارت از آن دانست که «چه رابطه‌ای بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و سبک زندگی آن‌ها وجود دارد؟»

۲. پیشینه پژوهش

مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور، گویای آن است که تحقیقات چندی درباره دینداری و رابطه آن با سبک زندگی انجام شده است که در این قسمت به مواردی از آن اشاره می‌شود.

فیروزجاه و سهرابی (Rahmani Firouzjah & Sohrabi, 2013) پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و دینداری: مطالعه موردی شهر ساری» انجام دادند. نتایج حاکی از آن است که بین نوع سبک زندگی و نوع دینداری رابطه وجود دارد و بین نوع سبک زندگی و میزان دینداری رابطه وجود ندارد. نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های مختلف زندگی منجر به رفتارهای مذهبی متعدد و شکل‌گیری الگوهای ویژه در دینداری می‌شود.

کرمی قهی و زادسر (Karami Ghahi & Zadsar, 2013) پژوهشی تحت عنوان «سنجش بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی (مطالعه موردی: زنان ۲۰ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران)» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد بیشترین میزان همبستگی میان دینداری و سبک زندگی وجود دارد. همچنین، رابطه میان سبک زندگی زنان، مدیریت بدن، هنجارهای مصرف اثبات شد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش به ارتباط میان دینداری و سبک زندگی افراد مربوط می‌شود. بر مبنای نتایج، بیشترین تبیین‌کنندگی دین، در حوزه هنجارهای مصرفی بود.

نیازی و نصرآبادی (Niazi & karkonannasrabadi, 2013)، تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان کاشان)» انجام دادند. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. نتایج این تحقیق آزمون‌های آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن رابطه معنادار دو متغیر دینداری و نوع سبک زندگی افراد را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است. همچنین نتایج تحلیلی رگرسیونی به روش گام به گام، اثرات بعد اعتقادی و بعد آگاهی دینداری را به ترتیب با ۲۹ و ۲۸ درصد بر سبک زندگی شهروندان نشان می‌دهد.

حجازی و حیدرخانی (Hijazi & Heydarkhani, 2013) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه دین داری و سبک زندگی جوانان» در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اصفهان انجام داده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از این است که بین میزان دینداری و سبک زندگی (بعد روابط بین شخصی) رابطه وجود دارد، بین دینداری و میزان کل سبک زندگی رابطه وجود دارد؛ اما بین متغیرهای دین داری و بعد مدیریت بدن، سبک زندگی و همچنین سن و سبک زندگی ارتباط معناداری مشاهده نشد.

رضادوست و همکاران (Rezadost et al, 2015)، در تحقیق با عنوان «تأثیر دینداری بر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)» انجام داده‌اند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین میزان دینداری و ابعاد مصرف مادی، مصرف فرهنگی - هنری، مدیریت بدن، چگونگی گذران اوقات فراغت رابطه منفی معناداری مشاهده شده است و تنها بین میزان دینداری و بعد روابط بین شخصی رابطه مثبت برقرار است.

حاجی عزیزی (Haji Azizi, 2013) تحقیقی با عنوان «مطالعه رابطه دینداری و سبک زندگی» در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران (واحد کرج) انجام داد. نتایج تحقیق حاکی از این است که دین، همچون گذشته به عنوان نهادی ریشه‌دار در تعیین سبک زندگی افراد موثر است، اگر چه ممکن است بسیاری از تغییرات و نوسانات در ارزش‌های دینی رخ دهد اما در نهایت دین به عنوان یک الگوی ارزشی بنیادین در ایران بر بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد تأثیرگذار می‌باشد.

موحدمجد و کرمی (Karami & Movahedmajd, 2019)، تحقیقی با عنوان «دینداری و سلامت: بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی سلامت‌محور در بین شهروندان شهر شیراز» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که همه ابعاد دینداری به جز دینداری عاطفی بر سبک زندگی سلامت‌محور تأثیر معناداری وجود دارد و به‌طور کلی قادر به تبیین ۲۶ درصد از تغییرات متغیر سبک زندگی سلامت‌محور بوده است. در این بین بیشترین تأثیر از آن بعد پیامدی می‌باشد.

حیاتی (Hayati, 2021)، پژوهشی را با عنوان «رابطه دینداری و گرایش به سبک زندگی اسلامی با کیفیت زندگی دانشجویان در میان دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان» انجام داد. نتایج تحقیق حاکی از این است دینداری (مولفه‌های اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی) و سبک زندگی اسلامی (مولفه‌های اجتماعی، مالی، سلامت تفکر و علم) عاملی در پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان هستند.

تی و همکاران (Tay et al, 2018) پژوهشی با عنوان «دینداری و رفتارهای سبک زندگی سالم در بین مسلمانان مالزی با در نظر گرفتن نقش میانجی بهزیستی ذهنی انجام داده‌اند». نتایج این تحقیق نشان داد که بهزیستی ذهنی، واسطی بین رابطه دینداری و سبک زندگی سالم است که راهنمایی برای ارتقای سلامت می‌باشد.

سنس و همکاران (Sens et al, 2019)، پژوهشی با عنوان «دینداری و سبک زندگی پزشک از راهبرد سلامت خانواده» در بین پزشکان برزیل انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که مشارکت مذهبی بیشتر با زمینه‌های کلی و خاص بهتر سبک زندگی پزشکان مرتبط است.

سونسن و همکاران (Svensson et al, 2019)، پژوهشی با عنوان «همبستگی بین دینداری و رفتارهای مخاطره‌آمیز مرتبط با سلامت در میان شهروندان ۲۹-۶۰ ساله دانمارک» انجام دادند. مطالعات نشان می‌دهد اعمال مذهبی در بین شهروندان دانمارکی با رفتارهای بهداشتی مرتبط است و متخصصان مراقبت‌های بهداشتی باید به ارتباط بین دینداری و سلامت توجه بیشتری داشته باشند. رجب و همکاران (Rajab et al, 2021)، پژوهشی با عنوان «رابطه دینداری و جو خانواده با سبک زندگی در نوجوانان سعودی» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد افرادی که هم محیط خانواده و هم دینداری در حد پایین‌تری بوده‌اند نسبت به کسانی که امتیاز بالایی در دینداری و محیط خانواده داشتند دارای سبک زندگی پایین‌تری بوده‌اند از این رو دینداری بالاتر و محیط خانواده بهتر، سبک زندگی کم‌خطرتر در میان نوجوانان سعودی به همراه داشت و اگر نوجوانان تشویق شوند تا حس دینداری بالاتری را در خود پرورش دهند و به آنها یک محیط خانوادگی آرام ارائه شود احتمال بیشتری دارد که سبک زندگی سالم‌تری داشته باشند.

ابدالا و همکاران (Abdala et al, 2021)، پژوهشی با عنوان «دین، سن، تحصیلات، سبک زندگی و سلامت: مدل‌سازی معادلات ساختاری» در بین شهروندان برزیل انجام دادند. نتایج تحقیق حاکی از این است که تعلق به دینی که بر سبک زندگی سالم تأکید دارد، عاملی کمک‌کننده برای سبک زندگی بهتر، سلامت جسمی و روانی است.

رحماواتی و فطریانی (Rahmawati & Fitriani, 2021)، پژوهشی با عنوان «تصمیمات خرید پوشاک مسلمان متأثر از سبک زندگی حلال، کیفیت محصول، قیمت با نقش تعدیل‌گر دین» در بین شهروندان اندونزی انجام داد. نتایج نشان داد که متغیرهای سبک زندگی حلال و قیمت بر تصمیمات خرید تأثیر مثبت و معناداری دارند لذا دینداری می‌تواند متغیرهای سبک زندگی حلال، کیفیت محصول و قیمت را در تصمیم‌گیری‌های خرید تعدیل کند.

الیوب احمد و همکاران (Al Ayub Ahmed et al, 2022)، پژوهشی در مورد «بررسی رابطه سبک زندگی مذهبی و سلامت اجتماعی در معلمان مسلمان» در کشور مالزی انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین سبک زندگی اسلامی و سلامت

اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

هارود و همکاران (Herold et al, 2022)، پژوهشی با عنوان «آیا دینداری با سبک زندگی و سلامت بهتر در بین دانمارکی‌ها مرتبط است؟» انجام داد. یافته‌های این تحقیق نشان از رابطه مثبت بین دینداری و سلامت در میان دانمارکی‌ها، به‌ویژه برای کسانی که توسط والدین خود آموزش مذهبی می‌بینند، دارد.

با مروری بر تحقیقات انجام شده، می‌توان دریافت در اغلب موارد نقش دینداری در سبک زندگی مورد تأیید قرار گرفته است، چرا که هر دین شامل مجموعه‌ای از آموزه‌های مختلف برای پیروان است که می‌تواند بر نحوه انتخاب سبک زندگی آن‌ها موثر باشد. لازم به ذکر است در اغلب این تحقیقات، سبک زندگی به عنوان مجموعه‌ای از حالات و انتخاب‌های فرد در نظر گرفته شده و فاقد هر گونه جهت خاصی (از مثبت تا منفی) است و نمی‌توان از داده‌های مربوط به آن، در تعیین نوع و شدت اثرگذاری استفاده کرد. حال آنکه در این پژوهش سعی شده تا متغیر مذکور در برگزیده طیف وسیعی از انتخاب‌های مختلف (از مثبت تا منفی) باشد تا بتوان با استفاده از آن علاوه بر تعیین وجود همبستگی، نوع و شدت آن را نیز مشخص کرد.

۳. چارچوب مفهومی

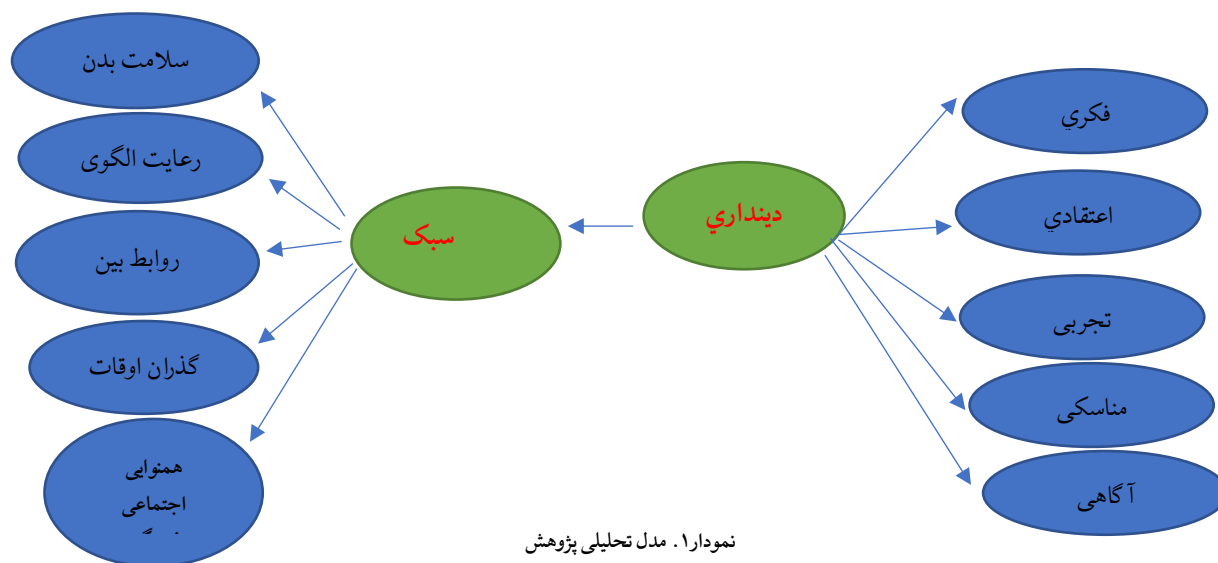
درباره رابطه بین دینداری و سبک زندگی، نظریه‌های گوناگونی از سوی جامعه‌شناسان ارائه شده است. از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در اندیشه ماکس وبر افراد می‌توانند سبک‌های زندگی خویش را انتخاب کنند، اما باید بدانند که این انتخاب‌ها کاملاً آزادانه نبوده و به وسیله موقعیت اجتماعی‌شان تحت فشار قرار خواهند گرفت (Rezadost et al, 2015: 7). وبر در اثر معروف خود تحت عنوان اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، در صدد برآمده تا به نقش تلقی‌های دینی در رفتارهای اجتماعی بپردازد (Aron, 2003, 600). از نظر وبر جنبش اصلاح دینی، ظهور کیش‌های پروتستانی کالونیسم و به‌ویژه پرهیزگاری خاص فرقه‌های پیوریتن است که اخلاق ویژه‌ای را وارد مسیحیت کرده‌اند (Weber, 2003 به نقل از Haji Azizi, 2013) و راه پیشرفت سرمایه‌داری نوین، به آن معنایی که او در نظر دارد، را کاملاً هموار ساختند. مذهبی که دنیاگیز باشد طبعاً روحیه و جامعه‌ای متفاوت، نسبت به مذهبی که پرهیزگاری را در عشق به کار و کوشش، کسب ثروت، صرفه‌جویی و سرمایه‌گذاری دائمی می‌داند، پدید می‌آورد. بر پایه نظریه وبر می‌توان دین را به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفت که نقش مهمی در دگرگونی حیات اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. پیروان با تبعیت از آموزه‌های دینی، محدوده معینی را برای انتخاب خود در نظر گرفته و سبک زندگی خویش را مشخص می‌کنند.

زیمل معتقد است دین نوعی نگرش و دیدگاه است که احساسات سوپرتکتیو درونی تقلیل نمی‌یابد و بین شکاف ایجاد شده بین ابژکتیو و سوپرتکتیو که موجب دلزدگی و بی‌اعتنایی اجتماعی، نوستالوژی و یاس و نومیدی فلسفی می‌گردد پیوند برقرار می‌کند و این پیوند از طریق دیالکتیک فرم و محتوا صورت می‌گیرد و به‌طور کلی دین را شیوهی زندگی از اعتقاد، تجربه کردن و عمل می‌داند. زیمل، محتواها را مجموعه‌ای از تمام انگیزه‌ها، منافع و مقاصد و پدیده‌های اجتماعی در افراد می‌داند که درک اولیه از صورت‌ها را تشکیل داده و افراد در کنش متقابل با دیگران از آنها بهره می‌برند و انواع گسترده‌ای از محتواها می‌تواند به فرم تجربه‌ی دینی از نو خلق شود (Rahmani Firouzjeh & Sohrabi, 2013: 89). وی معتقد است که سبک زندگی، مجموعه صورت‌هایی است که انسان از میان فرهنگ عینی خود برای پاسخگویی به دو نیاز هنجاری‌اش، فردیت و عمومیت برمی‌گزیند. در این فرآیند، اول دین (آداب، رسوم، سنت‌ها و...) می‌تواند صورت‌های معینی را در اختیار فرد قرار دهد تا سبک زندگی خود را در قالب آن عرضه کند (سبک زندگی دینی). دوم، بعد ایدئولوژیک، نهادی و ساختی دین می‌تواند با ایفای نقش فرهنگی در شکل‌گیری فرهنگ عینی، محدودیت‌ها و مقدوراتی را برای گزینش فرد ایجاد کند. سوم، دین می‌تواند به عنوان یک جهان بینی و نظام معنایی، فرهنگ ذهنی فرد را تحت تاثیر قرار دهد و در شکل‌گیری و جهت‌دهی فرهنگ عینی نقش ایفا کند (Mahdavi Kenny, 2008: 223).

بورديو معتقد است نظام اجتماعی، مجموعه‌ای از میدان‌هایی است که بر اساس سرمایه، ساخت‌یافته و طبقه‌بندی شده و افراد در آن برای کسب سرمایه بیشتر و در نتیجه قدرت به رقابت می‌پردازند. هر فرد بر اساس موقعیت خود در هر میدان و بر اساس ارزیابی و

سلیقه خود الگوی رفتاری خاصی را برای دستیابی به سرمایه بیشتر (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نمادین) در هر میدان بر می‌گزیند. این الگوها و جلوه‌های عینی آنها سبک‌های زندگی‌اند (Bourdieu, 2002) به نقل از ۸: (Karami & Movahedmajd, 2019). در میان انواع مختلف سرمایه، سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در اندیشه بوردیو ایفا می‌کند. وی معتقد است که دین سه نوع سرمایه را در اختیار افراد قرار می‌دهد: اول دین مشتمل بر یک جهان‌بینی و نظامی معنایی است و این سرمایه‌ی فرهنگی را در اختیار افراد قرار می‌دهد. دوم دینداری یک نظام نمادی و دارای شعائر است که به پیروان خود سرمایه نمادین می‌بخشد و سوم دین دارای گروه یا اجتماعی از پیروان و همچنین نهاد و سازمانی نسبتاً منسجم (کلیسا و...) است که سرمایه اجتماعی را در هر جامعه پدید می‌آورد. از نظر بوردیو دین خود یک میدان (زیر فضای اجتماعی) است و افراد از طریق آن در جهت کسب قدرت و سرمایه‌ها به رقابت می‌پردازند (Bourdieu, 2002) به نقل از 221: (Mahdavi Kenny, 2008). در باور بوردیو ساختمان ذهنی، محصول ملکه ذهن شده ساختار در ذهن کنشگر است، ساختار در این ساختمان ذهنی به گونه یکسان به هم تحمیل نمی‌شوند بلکه در یک فراگرد تاریخی جمعی ساخته می‌شود (Mahdavi Kenny, 2008: 221). بر پایه اندیشه بوردیو، می‌توان دینداری را به مثابه ساختمان ذهنی و جهان اجتماعی را به منزله همان سبک زندگی در نظر گرفت که به طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند. از این رو دین می‌تواند با ایجاد عادت واره‌ها بر روی سبک زندگی افراد موثر باشد.

با مروری بر آنچه آورده شد می‌توان دریافت، بنیان نظری پژوهش بر نظریه برخی از جامعه‌شناسان از جمله وبر، زیمل و بوردیو، استوار شده است. با مروری بر نظریه‌های یاد شده می‌توان دریافت، نهاد دین از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتارها، اولویت‌ها و ارزش‌های افراد دارد. آموزه‌های دینی بخش مهمی از سبک زندگی مردم را شکل می‌دهد. بدین معنا افرادی که متأثر از آموزه‌ها و باورهای دینی هستند، از میان کنش‌های متفاوت معمول آنهایی را انتخاب و گزینش می‌کنند که با تعالیم دینی آنها سازگار باشد. مصداق این نکته را می‌توان در مواردی از قبیل توجه به سلامت جسمی، رعایت الگوی مصرف، برقراری رابطه با دیگران، نحوه گذران اوقات فراغت و همراهی و همنوایی با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، ملاحظه کرد. به عبارت دیگر، یک فرد متدین در مواردی یاد شده، سبک زندگی خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کند که با آموزه‌های دینی و مذهبی که به آنها اعتقاد دارد، هماهنگ باشد. از این رو می‌توان انتظار داشت دینداری افراد نقش قابل ملاحظه‌ای در انتخاب سبک زندگی آنان داشته باشد. این رابطه را می‌توان در مدل نظری شماره ۱ ملاحظه کرد:



نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش

بر پایه آنچه آورده شد می‌توان در برابر پرسش اصلی، فرضیه اصلی پژوهش را بدین صورت ارائه کرد: به نظر می‌رسد بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و سبک زندگی آن‌ها، همبستگی وجود دارد. نظر به تعدد و تنوع ابعاد سبک زندگی، موارد زیر را می‌توان به عنوان فرضیه‌های فرعی پژوهش در نظر گرفت:

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و توجه آنان به سلامت بدن، همبستگی وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و رعایت الگوی درست مصرف از سوی آنان، همبستگی وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و روابط مناسب بین شخصی آنان، همبستگی وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و نحوه صحیح گذران اوقات فراغت از سوی آنان، همبستگی وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری جوانان شهرستان فردیس و میزان هم‌نوایی اجتماعی و فرهنگی آنان، همبستگی وجود دارد.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش را می‌توان از نظر رویکرد در زمره تحقیق توصیفی، از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش سنجش و تحلیل، در زمره پژوهش‌های کمی به شمار آورد. جامعه آماری در این پژوهش عبارت از کلیه جوانان ۱۸-۳۵ ساله ساکن در شهرستان فردیس استان البرز است. جمعیت این افراد طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، ۱۹۳۰۰۶ نفر است. برای تعیین حجم نمونه در این تحقیق از جدول مورگان، کوهن و کرجسی استفاده شده است. با توجه به حجم جامعه آماری، حجم نمونه در این تحقیق (۳۸۴) نفر است. برای انجام نمونه‌گیری از روش غیراحتمالی سهمیه‌ای استفاده شده است بر این اساس ابتدا جامعه بر حسب جنس و گروه سنی به ۱۲ گروه فرعی تقسیم شده و سپس نسبت نمونه با تقسیم حجم نمونه بر حجم جامعه محاسبه شد (۰/۰۱۹۸). در ادامه با ضرب نسبت نمونه در جمعیت هر گروه از ۱۲ گروه فرعی، حجم نمونه در آن گروه مشخص شده است. برای گردآوری داده‌ها در این تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نظر به آنکه تست‌های استاندارد موجود، قابلیت اندازه‌گیری جهت سبک زندگی و نیز تمامی ابعاد دینداری را نداشت، از پرسشنامه محقق ساخته برای این کار استفاده شد. این پرسشنامه دارای سه بخش است. بخش اول سوالات مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی شامل جنس، سن و میزان تحصیلات است. در بخش دوم به سنجش سبک زندگی و مولفه‌های آن (سلامت بدن، الگوی مصرف، روابط بین شخصی، اوقات فراغت و هم‌نوایی اجتماعی و فرهنگی) با استفاده از طیف لیکرت و سوالات مقیاس مدرج مبادرت شده و در بخش سوم به سنجش میزان دینداری و مولفه‌های پنجگانه آن (اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی) اقدام شده است. برای تعیین روایی ابزار گردآوری از روش اعتبار صوری استفاده شده است. بر این اساس متن پرسشنامه در اختیار هشت تن از داوران قرار داده شد تا نسبت به روایی آن قضاوت نمایند. پس از دریافت نظرات داوران، حکم و اصلاح لازم، صورت گرفته و در نهایت روایی آن مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار گردآوری، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. انجام این کار طی دو مرحله صورت گرفته است. در مرحله اول: پس از آنکه حدود ۱۵ درصد (۶۰ مورد) از پرسشنامه‌ها گردآوری شد، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از دو طیف به کار رفته در پرسشنامه، محاسبه شد. از آنجا که نتایج حاصله از ۰/۷ بیشتر بود (دینداری ۰/۹۲۴)، سبک زندگی سالم (۰/۷۶۵)، پایایی ابزار گردآوری در مرحله پایلوت مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله دوم: پس از آنکه تمامی پرسشنامه‌ها گردآوری شد، باردیگر ضریب آلفای کرونباخ برای ۲ طیف مندرج در پرسشنامه محاسبه شد. در این مرحله نیز نتایج حاصله بیش از ۰/۷ بود (دینداری ۰/۹۱۱، سبک زندگی ۰/۸۰۲) و پایایی ابزار گردآوری مجدداً مورد تأیید قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ در دو بخش انجام شده است: در بخش اول برای طبقه‌بندی و نمایش داده‌ها از جدول‌های توزیع فراوانی، نمودارهای آماری و مشخصه‌های مرکزی و پراکنندگی استفاده شده است. و در بخش دوم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق (باتوجه به نرمال نبودن توزیع داده‌ها) از آزمون ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن

استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا به توصیف یافته‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، میزان دینداری و سبک زندگی پرداخته و در ادامه، به آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی تحقیق مبادرت می‌شود.

۱.۵. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

در جامعه مورد بررسی ۵۰/۳ درصد (۱۹۳ نفر) پاسخگویان زن و ۴۹/۷ درصد (۱۹۱ نفر) مرد هستند. در این جامعه ۱۳/۵ درصد (۵۲ نفر) از پاسخگویان، ۱۸ تا ۲۰ ساله، ۱۳/۸ درصد (۵۳ نفر) از آنها ۲۱ تا ۲۳ ساله و ۱۳/۵ درصد (۵۲ نفر) ۲۴ تا ۲۶ ساله، ۱۵/۶ درصد (۶۰ نفر) ۲۷ تا ۲۹ ساله، ۱۹/۸ درصد (۷۶ نفر) ۳۰ تا ۳۲ ساله و ۲۳/۷ درصد (۹۱ نفر) ۳۳ تا ۳۵ ساله هستند. از نظر مدرک تحصیلی، ۱۹/۳ درصد (۷۴ نفر) از پاسخگویان دارای مدرک دیپلم، ۳۱/۸ درصد (۱۲۲ نفر) فوق دیپلم، ۴۲/۴ درصد (۱۶۳ نفر) لیسانس و ۶/۵ درصد (۲۵ نفر) فوق لیسانس و بالاتر هستند.

۲.۵. سبک زندگی و مولفه‌های آن

سبک زندگی در این پژوهش، عبارت از مجموعه انتخاب‌های فرد متناسب با محیط اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند شرایط زندگی را برای وی تامین کند. این مفهوم دارای ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است که از آن جمله می‌توان به توجه به سلامت بدن، رعایت الگوی صحیح مصرف، رابطه مناسب بین شخصی، نحوه صحیح گذران اوقات فراغت و همنوایی اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد. برای اندازه‌گیری این متغیر و مولفه‌های آن، با استفاده از طیف لیکرت در مجموع ۳۰ گویه (برای هر مولفه، شش گویه) در پرسشنامه، پیش‌بینی شد و افراد بر حسب مجموع نمرات حاصله از این طیف به پنج طبقه از بسیار زیاد تا بسیار کم تقسیم شدند. در این قسمت به توصیف یافته‌های مربوط به این متغیر و ابعاد آن پرداخته می‌شود.

جدول ۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس متغیر سبک زندگی و مولفه‌های آن

شرح	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
توجه به سلامت بدن	۰/۶	۲/۶	۲۵/۳	۵۱/۳	۱۴/۸
رعایت صحیح الگوی مصرف	۰	۰	۸/۱	۴۶/۴	۴۵/۶
روابط مناسب بین شخصی	۰	۰	۱۶/۷	۶۷/۴	۱۵/۹
گذران بهینه اوقات فراغت	۰	۱۹/۵	۲۸/۱	۴۹/۲	۳/۱
همنوایی اجتماعی و فرهنگی	۰	۰	۱۲/۸	۵۲/۶	۳۴/۶
سبک زندگی	۰	۰	۱۷/۴	۶۹/۰	۱۳/۵

توجه به سلامت بدن: ۰/۶ درصد (۲۳ نفر) از پاسخگویان از نظر میزان توجه به سلامت بدن در سطح بسیار کم، ۲/۶ درصد (۱۰ نفر) از آنان کم، ۲۵/۳ درصد (۹۷ نفر) متوسط، ۵۱/۳ درصد (۱۹۷ نفر) زیاد و ۱۴/۸ درصد (۵۷ نفر) بسیار زیاد قرار دارند. رعایت صحیح الگوی مصرف: ۸/۱ درصد (۳۱ نفر) از پاسخگویان، از نظر رعایت صحیح الگوی مصرف در سطح متوسط، ۴۶/۴ درصد (۱۷۸ نفر) زیاد و ۴۵/۶ درصد (۱۷۵ نفر) بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است هیچ فراوانی در سطح بسیار کم و کم ملاحظه نشد.

روابط مناسب بین شخصی: ۱۶/۷ درصد (۶۴ نفر) از پاسخگویان از نظر برقراری روابط مناسب بین شخصی در سطح متوسط،

۶۷/۴ درصد (۲۵۹ نفر) زیاد و ۱۵/۹ درصد (۶۱ نفر) بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم و کم، فراوانی خاصی ملاحظه نشد.

گذران بهینه اوقات فراغت: ۱۹/۵ درصد (۷۵ نفر) از پاسخگویان از نظر گذران بهینه اوقات فراغت در سطح کم، ۲۸/۱ درصد (۱۰۸ نفر) متوسط، ۴۹/۲ درصد (۱۸۹ نفر) زیاد و ۳/۱ درصد (۱۲ نفر) بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم، فراوانی خاصی ملاحظه نشد.

همنوایی اجتماعی و فرهنگی: ۱۲/۸ درصد (۴۹ نفر) از پاسخگویان از نظر همنوایی اجتماعی و فرهنگی در سطح متوسط، ۵۲/۶ درصد (۲۰۲ نفر) زیاد و ۳۴/۶ درصد (۱۳۳ نفر) بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم و کم فراوانی خاصی ملاحظه نشد.

وضعیت سبک زندگی: ۱۷/۴ درصد (۶۷ نفر) از پاسخگویان از نظر برخورداری از سبک زندگی در سطح متوسط، ۶۹/۰ درصد (۲۶۵ نفر) در سطح زیاد، و ۱۳/۵ درصد (۵۲ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم و کم فراوانی خاصی ملاحظه نشد.

مقایسه میانگین مولفه‌های سبک زندگی در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (۱-۵) حاکی از آن است که، رعایت صحیح الگوی مصرف با میانگین ۴/۳۸ در بالاترین رتبه قرار دارد و پس از آن همنوایی اجتماعی و فرهنگی با میانگین ۴/۲۲، روابط بین شخصی با میانگین ۳/۹۹، توجه به سلامت بدن با میانگین ۳/۶۶ و گذران بهینه اوقات فراغت با میانگین ۳/۳۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

۳.۵. توصیف میزان دینداری پاسخگویان و مولفه‌های آن

در این پژوهش دینداری عبارت از میزان پایبندی و عمل پیروان به آموزه‌های ارائه شده در دین است. برای این مفهوم، گلاک و استارک پنج مولفه؛ اعتقادی، پیامدی، عاطفی، مناسکی و آگاهی را طرح کرده‌اند در جریان گردآوری داده‌ها، برای اندازه‌گیری متغیر مذکور و مولفه‌های آن، با استفاده از طیف لیکرت سی و سه گویه در پرسشنامه در نظر گرفته شد و افراد بر اساس مجموعه نمرات حاصله از این متغیر و مولفه‌های آن به پنج طبقه از بسیار زیاد تا بسیار کم تقسیم شدند که در این قسمت به توصیف یافته‌های مربوط به آن پرداخت شده است.

جدول ۲. توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس دینداری و مولفه‌های آن

شرح	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
مولفه اعتقادی	۰	۰	۱۱/۷	۳۳/۹	۵۴/۴
مولفه عاطفی	۰	۰	۱۴/۸	۳۴/۴	۵۰/۸
مولفه پیامدی	۰	۰/۳۷	۵۸/۳	۴/۷	۰
مولفه مناسکی	۴/۴	۳۴/۹	۲۰/۳	۳۸/۳	۲/۱
مولفه آگاهی	۲/۹	۱۲/۲	۴۷/۷	۲۶/۸	۱۰/۴
متغیر دینداری	۰	۰	۴۸/۴	۴۱/۹	۹/۶

مولفه اعتقادی: ۱۱/۷ درصد (۴۵ نفر) از پاسخگویان از نظر مولفه اعتقادی در سطح متوسط، ۳۳/۹ درصد (۱۳۰ نفر) در سطح زیاد و ۵۴/۴ درصد (۲۰۹ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم و کم فراوانی خاصی ملاحظه نشد. مولفه عاطفی: ۱۴/۸ درصد (۵۷ نفر) از پاسخگویان از نظر مولفه عاطفی در سطح متوسط، ۳۴/۴ درصد (۱۳۲ نفر) در سطح زیاد و ۵۰/۸ درصد (۱۹۵ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در گروه بسیار کم و کم مقدار فراوانی خاصی ملاحظه نشد.

مولفه پیامدی: ۰/۳۷ درصد (۱۴۲ نفر) از پاسخگویان از نظر مولفه پیامدی در سطح کم، ۵۸/۳ درصد (۲۲۴ نفر) در سطح متوسط و ۴/۷ درصد (۱۸ نفر) در سطح زیاد می‌باشند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم و بسیار زیاد فراوانی خاصی ملاحظه

نشد.

مولفه مناسکی: ۴/۴ درصد (۱۷ نفر) از پاسخگویان از نظر مولفه مناسکی در سطح بسیار کم، ۳۴/۹ درصد (۱۳۴ نفر) در سطح کم، ۲۰/۳ در (۷۸ نفر) در سطح متوسط، ۳۸/۳ درصد (۱۴۷ نفر) در سطح زیاد و ۲/۱ درصد (۸ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند.

مولفه آگاهی: ۲/۹ درصد (۱۱ نفر) از پاسخگویان از نظر مولفه آگاهی در سطح بسیار کم، ۱۲/۲ درصد (۴۷ نفر) در سطح کم، ۴۷/۷ درصد (۱۸۳ نفر) در سطح متوسط، ۲۶/۸ درصد (۱۰۳ نفر) در سطح زیاد و ۱۰/۴ درصد (۴۰ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند.

متغیر دینداری: ۴۸/۴ درصد (۱۸۶ نفر از ۳۸۴ نفر) از پاسخگویان از نظر دینداری در سطح متوسط، ۴۱/۹ درصد (۱۶۱ نفر) در سطح زیاد، و ۹/۶ درصد (۳۷ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند. لازم به ذکر است در سطح بسیار کم و کم فراوانی خاصی ملاحظه نشد.

مقایسه میانگین مولفه‌های دینداری در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (۵-۱) گویای آن است که، بعد اعتقادی با میانگین ۴/۴۳ در بالاترین رتبه قرار دارد و پس از آن بعد عاطفی با میانگین ۴/۳۶، بعد آگاهی با میانگین ۳/۳۰، بعد مناسکی با میانگین ۲/۹۹ و بعد پیامدی با میانگین ۲/۶۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

۴.۵. آزمون فرضیه‌ها

در این بخش به آزمون روابط مفروض بین متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است. یادآور می‌شود طبق نتایج آزمون کولموگروف و اسپیرنوف، متغیرهای دینداری و سبک زندگی و مولفه‌های آنها منطبق بر منحنی نرمال نیست. لذا برای آزمون روابط مذکور از آزمون ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج آزمون‌های یاد شده را می‌توان در جدول شماره ۱ ملاحظه کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی

نتیجه	سطح معناداری	آماره اسپیرمن	فرضیه
همبستگی معکوس و ضعیف	۰/۳۷	-۰/۱۰۷	رابطه بین دینداری و سلامت بدن
همبستگی مستقیم و ضعیف	۰/۰۱۰	۰/۱۳۱	رابطه بین دینداری و رعایت الگوی مصرف
همبستگی مستقیم و ضعیف	۰/۰۰۴	۰/۱۴۹	رابطه بین دینداری و روابط مناسب بین شخصی
همبستگی مستقیم و ضعیف	۰/۰۰۴	۰/۱۹۹	رابطه بین دینداری اوقات فراغت
همبستگی مستقیم و متوسط	۰/۰۰	۰/۵۱۶	رابطه بین دینداری و همنوایی اجتماعی و فرهنگی
همبستگی وجود ندارد	۰/۷۴	۰/۰۹۱	رابطه بین دینداری و سبک زندگی (فرضیه اصلی)

درباره همبستگی بین استفاده از سلامت بدن و دینداری با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش ۰/۱۰۷- و سطح معناداری آن ۰/۳۷ است. بنابراین با ۵ درصد خطا می‌توان گفت بین این دو متغیر همبستگی وجود دارد. این رابطه از نوع معکوس و شدت آن ضعیف است. به عبارت دیگر، هرچه بر میزان دینداری افراد افزوده شود، به مقدار کمی از توجه آنان به سلامت بدن کاسته می‌شود.

در خصوص همبستگی بین استفاده از دینداری و رعایت الگوی مصرف با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش ۰/۱۳۱ و سطح معناداری آن ۰/۰۱۰ است بنابراین با ۵ درصد خطا می‌توان گفت بین دینداری و رعایت الگوی مصرف همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن ضعیف است به عبارت دیگر، هرچه بر میزان دینداری افراد افزوده شود به مقدار کمی بر رعایت الگوی مصرف از سوی آنها افزوده می‌شود.

در مورد همبستگی بین استفاده از دینداری و روابط مناسب بین شخصی با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش ۰/۱۴۹ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۴ است بنابراین با ۱ درصد خطا می‌توان گفت بین دینداری و روابط مناسب بین شخصی

همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن ضعیف است. به عبارت دیگر، هر چه بر دینداری افراد افزوده شود به مقدار کمی بر روابط مناسب بین شخصی آنان افزوده می‌شود.

درباره همبستگی بین استفاده از اوقات فراغت و دینداری با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش $0/199$ و سطح معناداری آن $0/00$ است بنابراین با ۱ درصد خطا می‌توان گفت بین میزان دینداری و نحوه گذران اوقات فراغت همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن ضعیف است. به عبارت دیگر؛ هر چه بر دینداری افراد افزوده شود به مقدار کمی برگذران بهینه اوقات فراغت آن افزوده می‌شود.

در خصوص همبستگی بین استفاده از همنوایی اجتماعی و فرهنگی و دینداری با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش $0/516$ و سطح معناداری آن $0/00$ است بنابراین با ۱ درصد خطا می‌توان گفت بین دینداری افراد با همنوایی اجتماعی و فرهنگی همبستگی وجود دارد. این همبستگی از نوع مستقیم و شدت آن متوسط است به عبارت دیگر؛ هر چه بر دینداری افراد افزوده شود تا حدی بر میزان همنوایی اجتماعی و فرهنگی آنان افزوده می‌شود.

در مورد همبستگی بین سبک زندگی و دینداری (فرضیه اصلی) با توجه به جدول ۳، می‌توان دریافت که آماره اسپیرمن با ارزش $0/091$ و سطح معناداری $0/74$ است. بنابراین با ۵ درصد خطا می‌توان گفت بین دو متغیر دینداری و سبک زندگی همبستگی وجود ندارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

دین و دینداری همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر سبک زندگی به شمار می‌رود. این تأثیر را می‌توان از سویی در ترسیم شاخص‌های سبک زندگی با استفاده از آموزه‌های دینی و از سوی دیگر در انتخاب سبک زندگی به سبب تأثیری که بر ارزش‌ها، امیال و سلائق فرد می‌گذارد، ملاحظه کرد. این اثرگذاری هر چند به اشکال مختلف در اغلب جامعه‌ها وجود دارد اما روشن است که در جوامعی مانند ایران که به سبب سلطه نهاد دین بر سایر نهادهای اجتماعی، از فرهنگ دینی برخوردارند، دارای نمود و بروز بیشتری است. به رغم آنچه آورده شد نتایج این پژوهش حاکی از آن است، بین میزان دینداری و سبک زندگی در بین جوانان شهرستان فردیس، همبستگی معنادار وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت، فرضیه اصلی پژوهش رد شده است. این یافته با آرای برخی از صاحب نظران از جمله (وبر، زیمل، بوردیو) و نتایج تحقیقات، حاجی عزیزی (Haji Azizi, 2013)، حیاتی (Hayati, 2021) و به‌ویژه حجازی و حیدرخانی (Hijazi & Heydarkhani, 2013) همخوانی نداشته ولی با نتایج تحقیق فیروزجاه و سهرابی (Rahmani Firouzjah & Sohrabi, 2013) همخوانی دارد. حصول نتیجه یادشده را به رغم آنکه شاخص‌های سبک زندگی یا منطبق بر آموزه‌های دینی بوده و یا حداقل با آن مغایرت نداشته را می‌توان متأثر از عوامل زیر دانست:

- اگر چه وجود همبستگی بین میزان دینداری و سبک زندگی مورد تأیید قرار نگرفت ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که در میان پنج مولفه سبک زندگی، وجود همبستگی مستقیم با دینداری در چهار مولفه مورد تأیید قرار گرفت و احتمالاً وجود همبستگی معکوس درباره توجه به سلامت بدن با دینداری، موجب تغییر در نتیجه کلی شده است.

- اگر چه دین و دینداری عاملی موثر بر انتخاب سبک زندگی به شمار می‌رود ولی نباید این نکته را نادیده انگاشت که در حال حاضر، عوامل دیگری نیز بر این فرایند موثر بوده که تا اندازه‌ای بر کاهش نقش دین و دینداری در این زمینه تأثیر داشته است.

- اگر چه ادیان و بالاخص دین اسلام با ارائه مجموعه‌ای از آموزه‌های مختلف، شاخص‌های سبک زندگی را برای پیروان ترسیم کرده‌اند ولی این نکته را نباید فراموش کرد که میزان برخورداری اجرا یا رعایت از شاخص‌های مذکور، تا حد زیادی متأثر از میزان پایبندی افراد به آموزه‌های دینی و یا همان میزان دینداری است و چنانچه پیروان به تمام و یا بخشی از آموزه‌های مذکور مقید نباشند، نمی‌توان برخورداری آنان از سبک زندگی مورد نظر را انتظار داشت.

- هر یک از ادیان، منظومه‌ای از احکام و تعالیم مختلف را ارائه کرده و سعادت پیروان را در به کار بستن، تمامی آن می‌دانند.

نتایج تحقیق گویای آن است که در جامعه مورد مطالعه پیروی از تعالیم مذکور به صورت گزینشی صورت گرفته است به عبارت دیگر افراد برحسب مورد، برخی از آموزه‌های دینی را انتخاب و برخی دیگر را رد می‌کنند این نکته موجب شده تا بر میزان برخورداری از سبک زندگی اثر منفی داشته باشد.

۷. مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در این مقاله به صورت برابر است.

۸. منابع مالی

این مقاله به صورت مستقل نوشته شده و برای نوشتن آن، از هیچ سازمانی حمایت مالی دریافت نشده است.

۹. تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abdala, G. A., Meira, M. D. D., Rodrigo, G. T., Fróes, M. B. D. C., Ferreira, M. S., Abdala, S. A., & Koenig, H. G. (2021). Religion, age, education, lifestyle, and health: structural equation modeling. *Journal of religion and health*, 60, 517-528.
- Al Ayub Ahmed, A., Komariah, A., Chupradit, S., Rohimah, B., Anita Nuswantara, D., Nuphanudin, N., ... & Ilham, D. (2022). Investigating the relationship between religious lifestyle and social health among Muslim teachers. *HTS Teologiese Studies/Theological Studies*, 78(4), 7335.
- Aron, R. (2003). *Basic stages of the course of sociology*, translated by Baqir Parham, Tehran: Scientific-Cultural Publications. (In persian).
- Asgharzadeh Marghmolki, H. (2021). *Healthy lifestyle*, Tehran: Azarfar Publishing. (In persian).
- Bourdieu, P. (2002). *Theory of Action*. Translated by Morteza Mardiha, Tehran: Naqsh and Negar Publications. (In persian).
- Giddens, A. (1999). *Modernity and Identity: Society and Personal Identity in the Age of Modernity*, translated by Nasser Moufaqian, Tehran: Ney Publishing. (In persian).
- Haji Azizi, b. (2013). Studying the relationship between religiosity and lifestyle, *master's thesis*. Faculty of Literature and Humanities, Khwarazmi University. (In persian).
- Hayati, S. (2021). The relationship between religiosity and tendency towards Islamic lifestyle with quality of life of students. *Islamic Insight and Education*, 18(59), 129-153. SID. <https://sid.ir/paper/1038119/fa>. (In persian).
- Herold, S. C., Hvidt, N. C., Möller, S., Christensen, K., & Ahrenfeldt, L. J. (2020). Is religiousness associated with better lifestyle and health among Danes? Findings from SHARE. *Journal of religion and health*, 1-20.
- Hijazi, S., & Heydarkhani, A. (2013). Examining the relationship between the level of religiosity and the lifestyle of young people. *Sociological Studies*, 6(23), 81-98. SID. <https://sid.ir/paper/222621/fa>. (In persian).
- Karami Ghahi, M. T., & Zadsar, Z. (2013). A Study of Religiosity and Lifestyle (Women over 20 in Tehran). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 5(1), 85-101. doi: 10.22059/jwica.2013.30356. (In persian).
- Karami, F., & Movahedmajd, M. (2019). Religiosity and Health: The Study of Relation between Religiosity and Health-oriented lifestyle among Shiraz Citizens. *Sociology of Social Institutions*, 6(13), 127-148. doi: 10.22080/ssi.2019.14509.1466. (In persian).
- Mahdavi Kenny, M. (2008). *Religion and lifestyle*, Tehran: Imam Sadegh Publishing House. (In persian).
- Nanbadeh, A. (2022), <https://alborz.farhang.gov.ir/fa/news/632363>. (In persian).
- Niazi, M., & karkonannasrabadi, M. (2013). A Study of the Relationship Between Religiousness and Lifestyle: A Case Study of The Residents of Kashan City In 2011. *Social Development & Welfare*

- Planning*, 4(16), 173-213. doi: 10.22054/qjdsd.2013.844. (In persian).
- Rahmani Firouzjah, A., & Sohrabi, S. (2013). Sociological Study of the Relationship between Lifestyle and Religiosity: A Case Study of Sari City. *Science and Religion Studies*, 4(7), 39-60. (In persian).
- Rahmawati, L., & Fitriani, E. N. (2021, December). Purchase decisions of Muslim clothing influenced by halal lifestyle, product quality, price with religiosity as moderation. *In Annual International Conference on Islamic Economics and Business (AICIEB)* (Vol. 1, pp. 269-281).
- Rajab, T. M., Saquib, J., Rajab, A. M., Enabi, S., Ayash, S. Q. S., Abdelrahman, S. A. A., ... & Saquib, N. (2021). The associations of religiosity and family atmosphere with lifestyle among Saudi adolescents. *SSM-Population Health*, 14, 100766.
- Rezadost., K.; Hosseinzadeh, A.; Shabani, K. (2015). The effect of religiosity on lifestyle (case study: students of Shahid Chamran University of Ahvaz), *Sociology and lifestyle management*, 1(3), 103-132. (In persian).
- Sens, G. R., Abdala, G. A., Meira, M. D. D., Bueno, S., & Koenig, H. G. (2019). Religiosity and physician lifestyle from a family health strategy. *Journal of religion and health*, 58, 628-638.
- Storey, J. (2007). *Cultural studies about popular culture*, translated by Hossein Payandeh; Tehran: Esharagah. (In persian).
- Svensson, N. H., Hvidt, N. C., Nissen, S. P., Storsveen, M. M., Hvidt, E. A., Søndergaard, J., & Thilising, T. (2020). Religiosity and health-related risk behaviours in a secular culture—Is there a correlation?. *Journal of religion and health*, 59, 2381-2396.
- Tey, S. E., Park, M. S. A., & Golden, K. J. (2018). Religiosity and healthy lifestyle behaviours in Malaysian Muslims: The mediating role of subjective well-being and self-regulation. *Journal of religion and health*, 57(6), 2050-2065.
- Weber, M. (2003). *Protestant ethics and the spirit of capitalism*. Translation: Morteza Saqibfar. Tehran: Jami Publisher. (In persian).
- Zuckerman, Ph. (2005), *An Introduction to the Sociology of Religion*, translated by Khashayar Dehimi, Tehran: Loh Fekar Publishing House. (In persian).